

## نگاهی به چند اشکال تکراری در پوشش خبری کدام غزه را پوشش دادید؟

**مریم فضائلی** خبرنگار گروه فرهنگ

روز شنبه، ساعت ۷ صبح ۷ اکتبر ۲۰۲۳، یک بمب خبیری در سرزمین های اشغالی ترکیب. طوفان الاقصی به راه افتاده بود و گویا جریان اصلی رسانه‌ای در معرض یک واقعه غیرمنتظره قرار گرفتند. اخبار مربوط به طوفان الاقصی به سرعت در حال انتشار بود. در ساعات ابتدایی آن روز، پنج هزار موشک و راکت در سرزمین های اشغالی فرود آمد و در پی آن ۸۰ نقطه، ۲۰ شهرک و ۱۱ پایگاه نظامی هدف قرار گرفتند. اتفاقات پیرامونی سرزمین اشغال‌شده فلسطین، همیشه برای مردم ایران مهم است. حالا باگذشت بیش از ۱۰۰ سال دفاع کردن مردم مظلوم فلسطین از خاک‌شان، شاید این اولین باری است که فلسطین از زمین، آسمان، توپل و دریا در حال نشان دادن قدرت به اسرائیل است. از هر بعدی به فلسطین این روزها بخواهیم نگاه کنیم، اخبار مربوط به آن دارای ارزش خبری است، پس باید خبرهای مربوط به این اتفاق به سرعت، با دقت و به درستی منتشر می‌شد.

با تمام این حرف‌ها، انتظاری که از شبکه خبر می‌رفت با چیزی که در نهایت روی آنتن تلویزیون صداوسیمای پخش شد، تفاوت‌های زیادی داشت. شروع حملات فلسطین به اراضی اشغالی، ساعت ۷ صبح به وقت محلی بوده است، یعنی ساعت ۷:۳۰ به وقت ایران. اما اولین نشانه‌های اخبار این رویداد، در قالب یک زیرنویس ساده، در ساعت ۸:۵۳ در این شبکه نشان داده می‌شود. اولین خبر مربوط حدود یک ساعت و نیم بعد از این اتفاق منتشر شد! اخبار ابتدایی اینهاست: «فعال شدن سامانه گنبد آهنین در سرزمین اشغالی فلسطین»، «مقاومت فلسطین در پاسخ به جنایات رژیم اشغالگر، ده‌ها موشک به شهرک‌های صهیونیست‌نشین شلبیک کرده»، «در پی شلیک موشک‌های مقاومت، آذیرهای خطر در شهرک‌های صهیونیست‌نشین و تل‌آویو به صدا در آمد». و… این اخبار حتی با علامت «خبر فوری» هم زیرنویس نشد! در اخبار ساعت ۹ صبح، پس از پخش سرتیتر اخبار، بدون آنکه رد و نشانی از «طوفان الاقصی» باشد، مجری در اولین خبر این حمله را با اطلاعاتی نسبتاً گنگ و کلی ارائه داد و آخرش اضافه کرد: «تاکنون جزئیات بیشتری از این خبر منتشر نشده اما برخی از کشته شدن صهیونیست‌ها خبر می‌دهند». در ادامه پوشش وقایع روز اول طوفان الاقصی، با بیش از ۳۰ کارشناس و خبرنگار گفت‌وگوی تلفنی، تصویری و حضوری انجام شد! این تعداد کارشناس که برای بیش از ۱۵ نفر آنها توضیح «کارشناس مسائل غرب آسیا» زده شده، فضایی تکراری و خسته‌کننده برای این اتفاق به این بزرگی و مهمی است. در همان روز با حدود هفت کارشناس و خبرنگار عرب‌زبان با سمت‌های دیگری مانند عضو جنبش مقاومت اسلامی حماس، نایب رئیس پرژنده فلسطین در حزب الله، دبیر جمعیت دوستی فلسطین و ایران، نماینده سابق حماس و… گفت‌وگو شد. ظاهراً مجموعه افرادی که در این موضوع می‌توانند حرف بزنند، کم نیست اما این همه آن چیزی نیست که مخاطب برای درک واقیعت به میدانی سرزمین اشغالی فلسطین نیاز دارد. قاب تصویری تلویزیون، معمولاً تصویر غزه از دور است که روی صحنه‌ای تقریباً بدون تغییر، مجری جملات تکراری را با فواصل کوتاه پشت هم تکرار می‌کند. این برای مخاطبان قایی تکراری است که در هر رویداد دیگری با درجه اهمیت کمتر هم قابل دیده شدن است.

یکی دیگر از اتفاقاتی که شبکه خبر را شاید در اس شبکه‌های خبری قرار نمی‌دهد، انتشار اخبار در پاتفرم‌های دیگر است. برای مثال الجزیره در کاتان یوتیوب، توئیتر، اینستاگرام و فیسبوکش اخبار را به صورت لحظه‌ای گزارش می‌دهد و در آنجا کاربران جایی برای ایجادگفت‌وگو دارند. در سایت شبکه الجزیره، طوفان الاقصی برای خودش یک قسمت مجزا دارد و دسترسی را به اخبار بسیار راحت‌تر و سریع‌تر کرده است.

در فضای این روزهای رسانه که پر از رنگ و گرافیک است، استفاده از تصاویر خام و بدون هیچ خلاقیت گرافیکی، دیگر کارکرد سابق را ندارد و برای مخاطب هم خسته‌کننده و تکراری است. استفاده از نقشه، اینیمیشن، و اینفوگرافی و… راهکارهایی است که می‌تواند به جذابیت بصری و انتقال بهتر محتوا کمک کند. در روز اول این اتفاقات، در شبکه خبر فقط یک بار از نقشه، استفاده شد. البته که کارشناس کنار نقشه ایستاده بود و در کل شاید دو دقیقه هم به نقشه اشاره نکرد و خودش متکلم‌الوحده بود. در این چند روز به کرات شاهد چند قاب شدن شبکه خبر بودیم. یک طرف مجری یا میهمان، قاب دیگر پخش زنده از نوار غزه. گاهی وقت‌ها این قاب‌ها تبدیل به سه تا می‌شد. برای مثال شادی کردن مردم در ایران، قاب سومی بود که در روز اول چندین بار دیده شد. اما آیا صرفاً چند قاب کردن و مواری گزارش دادن، نشان‌دهنده پوشش درست خبری است؟ جای خالی کلیپ‌هایی با محتوایی غنی و تازه با شکل و شمایل و کیفیت بالا، بسیار احساس می‌شود.



«فرهیختگان» پوشش وقایع اخیر در صدا و سیما و الجزیره را مقایسه می‌کند

# روایت حماسه ۷ اکتبر با ابزار جنگ ۶ روزه

**میلاد جلیل‌زاده** خبرنگار گروه فرهنگ

وقتی تمام رسانه‌های جریان اصلی دنیا جانب یکی از طرفین دعوا ایستاده‌اند که اتفاقاً ناحق است، هر روزنه‌ای در این میان باز شود تا صدای متفاوتی را منعکس کند، چشم‌های فراوانی را به سمت خود خواهد چرخاند. در دنیای مدرن هیچ رژیم‌ی رانمی‌شود سریع‌گرفت که مثل اسرائیل، اینقدر وقیحانه دست به جنایت و غصب و غارت بزند، اما همین رژیم جانی و غاصب و غارتگر از جانب رسانه‌ها و حتی دستگاه‌های دیپلماتی قادرتمندترین کشورها سفیدشویی و حمایت می‌شود. بعد از قریب به ۸۰ سال تعدی صهیونیست‌ها به جان و اموال مردم فلسطین و ایجاد بزرگ‌ترین زندان رویاز تاریخ، به محض اینکه نیروی مقاومت به غاصبان تک زد و حلقه‌ای از این زنجیر را گسست، همان رسانه‌ها و همان دیپلمات‌ها یاد نفی خشونت افتادند. کلی دروغ هم قاطی اخباری کردند که با محتوای خشونت‌نیروهای حماس علیه صهیونیست‌ها، مدعی رخ دادنش بودند. سرزنش هم‌زمان متجاوز و مدافع با برچسب نفی خشونت، تاکتیکی قدیمی از جانب رسانه‌ها و دیپلمات‌های غربی در چنین مواقعی بوده و خود ما ایرانی‌ها در اوایل تجاوز رژیم بحث به خاک ایران طمع آن را چشیده‌ایم.

عنصر متجاوز هر جا توقف کند، چه موقت و چه دائم، بخشی از عرض و ناموس دیگری را غارت کرده؛ یعنی باید پس برود؛ و مدافع اگر مجاز به استفاده از آتش یکی ازبره‌های متقابل برای پس گرفتن حقش نباشد، چیزهایی را از دست خواهد داد که گاه بازپس‌گیری‌شان ابدآ ساده نیست. البته که در به خرج دادن خشونت برای دفاع از یک حق هم می‌بایست حدودی رعایت شود واز همین روست است که قوانین بین‌المللی را برای شرایط جنگی وضع کرده‌اند؛ هرچند عموماً رعایت نمی‌شود. حالا تا حماس حرکتی زد و ضرب شستی به متجاوزان نشان داد، تمام رسانه‌های غربی از جمله بی‌بی‌سی با هر کدام از فلسطینی‌ها که مصاحبه می‌کنند ابتدا می‌گویند خشونت حماس را محکوم می‌کنید یا نه؟ مگر در هزاران مصاحبه‌ای که با نمایندگان رژیم صهیونیستی انجام داده‌بودند، ابتدا از آنها می‌پرسیدند که خشونت ارتش اسرائیل را محکوم می‌کنند یا نه؟ بعد از جنگ اکران می‌هم دیده‌شد که یکجانبه‌سازی رسانه‌های جریان اصلی در غرب، به شکل زائدالوصفی غیر قابل تحمل شده است و همان روزها این بحث مطرح شد که اگر حمله نظامی و ضمیمه کردن خاک این‌قدر بد است، پس چرا کسی به اسرائیل کوچک‌ترین تلنگری نمی‌زند؟ اینجاست که اگر رسانه‌ای بیاید و با فرمول‌های دقیق و حرفه‌ای بر خلاف این جریان مسلط و دروغ‌هایش و جعل‌ها و پوشیده‌گویی‌هایش حرف بزند، قطب و قبله بسیاری از وجدان‌های آزاده خواهد شد.

نبرد طوفان الاقصی در فلسطین و اتفاقات پس از آن، بهترین موقعیت را در اختیار نهادی مثل سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی قرار می‌داد تا بتواند خودش را به‌عنوان این صدای بدیل و روزنه حقیقت‌گو جا بیندازد، اما با اینکه موضع رسانه ملی کاملاً همان بود که می‌بایست می‌بود، به لحاظ فرمی فرستگ‌ها از آنجایی که باید به آن می‌رسید عقب ماند و در این فراز مهم از تاریخ منطقه و جهان، بار دیگر شبکه‌ظرفی الجزیره توانست میدان‌دار صحنه شود. از خود می‌پرسیم ما چرا اینچنین شدیم؟ ما همیشه عقیم. نه فقط در پوشش اخباری که مربوط به غربی‌ترین نقطه آسیاست، که حتی در مورد آنچه برای شهید فخری‌زاده در چند کیلومتری تهران رخ داد هم صداوسیمای رسانه‌ای که آن روز مکتزش در لندن بود، جا ماند و چند ساعت پس از اینکه ایران اینتینشنال پوشش زنده‌ای از محل حادثه می‌داد، تازه تلویزیون ملی ایران محافظه‌کاری را کنار گذاشت و به پوشش خبری حادثه ورود کرد. این روزها پوشش رسانه‌ای الجزیره نسبت به اتفاقات غزه، تحسین همه را برانگیخته است.

یک لحن هیجان‌زده تکراری، پوشش ضعیف اخبار را جبران نمی‌کند و



«فرهیختگان» پوشش وقایع اخیر در صدا و سیما و الجزیره را مقایسه می‌کند

# روایت حماسه ۷ اکتبر با ابزار جنگ ۶ روزه

حضور کارشناسانی که فرق‌شان با باقی مخاطبان رصد جدی‌تر تحولات است، نمی‌تواند جایگزین گفت‌وگو با فلسطینی‌ها یا حتی تماس چالشی با دیپلمات‌های حامی رژیم صهیونیستی شود. اساساً تلویزیون ایران در جریان این رویداد مهم، هیچ تولید محتوایی انجام نداد؛ چه خبری و چه تحلیلی؛ و خودش در جایگاه انعکاس دست‌دوم اخبار و تحلیل‌ها قرار گرفت. از آنجایی که قطر مدت‌هاست حامی مالی فلسطین و به‌طور خاص باریکه غزه است، انگیزه شبکه الجزیره از این پوشش قوی را به‌احتی می‌شود درک کرد؛ اما همین انگیزه به‌طور طبیعی می‌بایست در صداوسیمای جمهوری اسلامی هم وجود داشته باشد. حقیقت این است که مشکل صرفاً موضوع به‌خصوصی مثل غزه و بعد مسافتی آن با ایران نیست؛ بلکه اساساً لحن رسانه‌ای موجود در زیرمجموعه معاونت خبر یا همان معاونت سیاسی است. فرسودگی و کندلی را سعی می‌کنند با شعارزدگی جبران کنند. محافظه‌کاری شدیدشان را سعی می‌کنند با حمله تند و در بسیاری از موارد غیرمصفانه به‌آنهايي که در دایره خطوط قرمز مدیران نیستند، جبران کنند. چالپوسی در دروازه‌بانی و لحن انعکاس خبر، یک عنصر زنده است که هر کدام از این موارد به‌تنهایی قادرند یک رسانه خبری را فرسنگ‌ها عقب بیندازند.

به‌علاوه، درحالی‌که انتخاب هوشمندانه واژگان مناسب برای القای نوع خاصی از پیام به مخاطب خبر، از اصلی‌ترین ارکان کار رسانه است، غالب خبرنگاران واحد خبر صداوسیمانه‌تها از این مهم غافلند، بلکه ابتدایی‌ترین اصول نگارشی را در تنظیم متن خبرها یا پلانوهای رعایت نمی‌کنند. در همین چند روزه رسانه‌های غربی در انعکاس اخبار غزه برای مقتولان دو طرف، دو واژه مجزا به کار می‌بردند. درباره فلسطینی‌ها می‌گفتند که فلان تعداد انسان مرده‌اند و برای اسرائیلی‌ها می‌گفتند کشته شدند. این استفاده ظریف و هوشمندانه از دو هاله معنایی متفاوت، در دو واژه نزدیک به هم را مقایسه کنیم با متن اخبار و گزارش‌های صداوسیمای که رعایت ابتدایی‌ترین قواعد دستور زبان فارسی را نمی‌کنند. همه اینها و شاید چیزهای اضافه بر این موارد باشد که باعث می‌شوند هر بار اتفاق مهمی می‌افتد، مدتی که از آن رویداد گذشت، همه دوباره یادشان بیفتد پوشش اخبار در صداوسیمای

چقدر ضعیف است. چقدر عقب است، چقدر غیرحرفه‌ای و به‌شکلی عیان جانبدارانه است و وقتی قضیه تمام شد، مدیران و کارمندان سازمان بی‌اینکه بی‌اتوجه به چنین نقدهایی، در ساختار خبری و تحلیلی‌شان کوچک‌ترین تغییری داده باشند، به همان روزمرگی سابق بازمی‌گردند تا در مصب بعدی دوباره همین بحث‌ها مطرح شوند. آیا در این مدت سپری شده از وقوع طوفان الاقصی، کسی در فضای مجازی یا سایر تلویزیون‌های دنیا ویدئویی دیده که با لوگوی سیمای جمهوری اسلامی پخش شود و آیا کسی تحلیل یا خبری دیده که انعکاس تولید محتواهای تلویزیون ایران باشد و آیا در جایی، کوچک‌ترین ارجاعی به تلویزیون ایران داده شده است؟ آیا اینکه از اسنودیدی شبکه خبر یا خبرنگاران مستقر صداوسیمای در دمشق و بیروت تماس برقرار شود تا از خوشحالی مردم آن شهرها بگویند، برای مردم منطقه که در این لحظه حساس تشنه اخبار و تحلیل‌های جدید هستند چیز خاصی فراهم می‌کند؛ یا آیا چنین تولیداتی که از سر و روی‌شان بوی رفع تکلیف می‌آید، افق خاصی به ذهن مخاطبان می‌بخشند و پیرش‌هایشان درباره چیستی اصل دعوا، حق یا ناحق بودن هر طرف دعوا و سرانجام قابل تصور برای این دعوا را پاسخ می‌دهند؟ در جهان یک‌دست شده‌ای که رسانه‌های جریان اصلی می‌خواهند مطابق مینا آنها تصویر شود، هر روزنه‌ای که باز شود تا صدای متفاوتی را منعکس کند، چشم‌های فراوانی را به سمت خود خواهد چرخاند و وقتی مقطع مهمی مثل امروز فرسایده باشد که مساله حیثیتی فلسطین را به نقطه قابل توجهی از چرخش‌های تاریخی‌اش رسانده، سازمان صداوسیمای و به‌طور خاص شبکه خبر می‌توانست با مقداری چاپکی، ابتکار و بهره‌مندی از دانش رسانه‌ای، نقش همان روزنه بازتاب‌دهنده حقیقت را برای مخاطبان داخلی و مردم منطقه ایفا کند.

در همه سال‌هایی که روزگار من با حوزه نشر و کتاب پیوند خورده است، تلاش کرده‌ام مخاطب وفاداری برای ادبیات کودک و نوجوان باشم. فارغ از موقعیت‌های مختلف شغلی، سهمی از بازار کتاب کودک برای اخردم قائل بوده‌ام و کتاب‌های تازه را دنبال کرده‌ام. سال‌های حضور در انتشارات امیرکبیر فرصت مطالعه قدیمی‌تری و توجه به داشته‌های گرانهای مجموعه کتاب‌های شکوفه را تجددید کرد و حال به اقتضای مسئولیت، مساله شکوفایی شکوفه پرزنگ‌تر از قبل پیش‌روی ماست. پیشینه درخشان برند شکوفه و شصت و چند سال پشتنازی‌اش در عرصه کتاب کودک ظرفیت کم‌ظنیری است که می‌تواند آینده‌ای به روشنی گذشته‌اش داشته باشد. به‌عنوان یک مخاطب کتاب کودک تلاش می‌کنم تا خواننده‌ها و دانسته‌های چندساله‌ام در ادحای شکوفه به‌کار بندم و امیدوارم روزی را ببینم که مجموعه کتاب‌های کودک شکوفه، در بازار پر فراز و نشیب کتاب ایران، جایگاه روشن، مهم و معتبر خود را با یاد.



«فرهیختگان» پوشش وقایع اخیر در صدا و سیما و الجزیره را مقایسه می‌کند

# روایت حماسه ۷ اکتبر با ابزار جنگ ۶ روزه

شبکه الجزیره در سال ۱۹۹۶ به‌عنوان ابزاری برای ارتقای حکومت قطر به سطح قدرت منطقه‌ای با حمایت مالی و سیاسی امیرحمد بن خلیفه آل ثانی تأسیس شد. این شبکه در آغاز به کار استقلال کامل نداشت و در پوشش خبری تحلیلی، راهبردهای سیاست خارجی امیرجدید قطر را دنبال می‌کرد؛ اما پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، استقلال این شبکه با کسب وجهه و مشروعیت بیشتر در نزد افکار عمومی بیشتر شد، تابوشکنی سیاسی آن افزایش یافت و مواضع آن نسبت به مسائل منطقه، حکومت‌ها و قدرت‌های خارجی و فرامنطقه‌ای غربی انتقادی‌تر شد. الجزیره مهم‌ترین شبکه ماهواره‌ای بان عرب است که از یک سو با برد منطقه‌ای و جهانی و از سوی دیگر، با تنوع بخشیدن به محتوای خبری-تصویری به موضوع جامعیت برنامه‌ها توجه دارد. به چند نمونه از رفتار این شبکه رسانه‌ای در پوشش اخبار وقایع ۷ اکتبر که در سرزمین فلسطین اشغالی رخ داده است نگاه کنید.

### پوشش آزادانه اخبار

شبکه الجزیره در پوشش اخبار طوفان الاقصی، آزادانه تمام اخباری که متصل به اتفاقات ۷ اکتبر تا به امروز است را لحظه به لحظه پوشش می‌دهد. در مجموع اخبار، شما با یک پوشش خبری فراگیر مواجه هستید و گویی هر آن چیزی که در دایره اتفاقات الاقصی قرار می‌گیرد در صفحه مرتبط با اخبار این واقعه منتشر می‌شود. خبرها محدود به خطوط مرزی واقعه نیستند و در سطح جهانی هرگونه واکنشی پوشش داده می‌شود. واکنش‌های جهانی به این اتفاق مهم را می‌بینید و جالب اینکه از واکنش سیدمحمد خاتمی، رئیس‌جمهور اسبق‌کشورمان در این خبرها دیده می‌شود تا اظهارنظر سیاستمداران و کارشناسان سیاسی نقاط مختلف دنیا!

### پوشش زنده میدانی

دوربین به مرز واقعیت و هرآن چیزی که در میدان واقعه رقم می‌خورد، نزدیک می‌شود. حال‌این ارتباط می‌خواهد از طریق پوشش زنده خبرنگاران حاضر در میدان باشد یا انتشار تصویری که در شبکه‌های اجتماعی پخش شده بود. مجموعه‌ای که در این پوشش زنده میدانی شکل می‌گیرد علاوه بر اینکه باعث اعتبار یافتن رسانه می‌شود، اتمسفری را ایجاد کرده است که خودش حاوی یک روایت یکپارچه از اتفاقات است. قطعاً این روایت جانبدارانه است و براساس همان سیاستی که تعریف کرده است خودش را در جانب مخاطبان عرب، رسانه مستقل و متعهد به مردم عرب نشان می‌دهد.

### جای تحلیل خالی نیست

در شبکه تلویزیونی الجزیره و حتی مطالبی که در سایت و شبکه‌های اجتماعی این شبکه منتشر می‌شود، می‌توان تحلیل‌های کارشناسان سیاسی و رسانه را از منظرهای متفاوت دید. باتوجه به اینکه بسیاری از خبرها قبل از انتشار توسط رسانه‌های جریان اصلی، از منابع مختلف در فضای مجازی انتشار می‌یابند، الجزیره با‌کارگیری تحلیل‌های کارشناسان جریان خبری خود را بر اطلاعات جدید رویداد و تفسیر وقایع متمرکز کرده تا از این طریق مخاطب را به لایه‌های زیرین رویداد برسد، و این کار به مقبولیت رسانه کمک می‌کند.

### گرافیک به کمک انتقال محتوا

مجموعه‌موشن‌اینفوگرافیک‌هایی که برای پوشش رویدادهای طوفان الاقصی در مجموعه رسانه‌ای الجزیره منتشر شده است، مخاطب را به صورت لحظه لحظه در جریان اتفاقات قرار می‌دهد. این ساختار رسانه‌ای به کمک گرافیک یا گرافیک متحرک، امکانی را فراهم می‌کند که از طریق کلام و ادغام تصویر و گرافیک متحرک، افکار مخاطب را جهت داده و اهدافی که برای طراحی روایت در نظر دارد را امکان‌پذیر می‌کند.

## طرح تحول شرکت انتشارات علمی و فرهنگی تدوین شد

طرح تحول انتشارات علمی و فرهنگی با محوریت رهبری بازار نشر ایران و تبدیل شدن به نشر پیشرو در جهان اسلام تدوین شد و در فرآیند اجرا قرار گرفت. به گزارش ارتباطات و اطلاع‌رسانی انتشارات علمی و فرهنگی، این شرکت با سابقه بیش از ۷۰ سال فعالیت در صنعت نشر و عرصه فرهنگ و هنر طرح تحولی را متناسب با ویژگی‌های مخاطب امروز و همگام با فناوری‌های نوظهور منتشر کرد. در این طرح بر چشم‌انداز تبدیل انتشارات علمی و فرهنگی به رهبر بازار نشر داخلی و تبدیل شدن به نشر پیشرو در جهان اسلام تأکید شده است که آینده‌پژوهی، خلاقیت و دستور ویژه تحول دیجیتال، با راهبرد مشارکت مردم در تولید هوشمند و توزیع هدفمند محتوای عمیق، بر جامعه مخاطبان از راهکارهای نیل به آن توصیف شده است. در راستای این هدف تمامی فعالیت‌های نشر متوسف به‌کتابیه، امور چند رسانه‌ای به «فرهنگ فیلم تهران» و نشر فناوری‌محور و دیجیتال به «کتاب گستر» به‌عنوان سه شرکت تابعه انتشارات علمی و فرهنگی واگذار شده است.